



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۰

پایه :	۴	موضوع :	فقه ۲
تاریخ :	۹۰/۶/۱۷	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الاحرام تا کتاب المتاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه از موارد زیر با شهادت زنان ولو بدون ضمیمه مردان اثبات می شود؟ الف ۲/۱۲۵

أ. استهلال ■ ب. دیون ج. ولاء د. خلع

۲. در کدام گزینه علاوه بر بینة یمین هم لازم است؟ ج ۲/۱۰۰

إل. کانت الدعوی لموکل المدعی ب. إن کانت الدعوی للمولی علیه

ج. إن کانت الدعوی لنفس المدعی ■ د. فی الشهادة مطلقاً

۳. کدام مورد به وسیله شاهد و یمین ثابت نمی شود؟ ج ۲/۹۷-۹۸

أ. بیع ب. صلح ج. نسب ■ د. غصب

۴. در کدام مورد کفارة ثابتة «شاة» است؟ أ ۱/۵۵۶-۵۷۴

أ. لبس المخیط وما فی حکمه ■ ب. کسر بیض النعام

ج. بقرة الوحش وحماره د. کسر قرنی الغزال

تشریحی:

اضمن بیان یک جهت اشتراک و دو جهت افتراق احصار و صد، اگر هر دو برای مکلف اتفاق افتاد تکلیف او چیست؟ ۵۷۸

جهت اشتراک: هما مشترکان فی ثبوت أصل التحلل بهما فی الجملة.

جهت افتراق: یفترقان فی عموم التحلل فإنّ المصدود یحلّ له بالمحلّ کلّ ما حرّمه الاحرام والمحصّر ما عدا النساء وفي مکان ذبح هدی التحلل فالمصدود یذبحه أو ینحره حیث وُجد اللع والمحصّر یبعثه إلى محلّه بمکة ومنی وفي إفادة الاشتراط تعجیل التحلل للمحصّر دون المصدود لجوازه بدون الشرط.

وقد یجتمعان علی المكلف فیختیر فی أخذ حکم ما شاء منهما.

۲. عناوین زیر را توضیح دهید. ۲/۲۶-۲۸

أ. مرجف: ج. هو الذی یذكر قوّة المشرکین وکثرتهم بحیث یؤدّی إلى الخذلان.

ب. مخذل: ج. هو الذی یجئ مع القتال ویخوّف عن لقاء الأبطال ولو بالشبهات الواضحة

ج. جعائل: ج. التی یجعلها الإمام للمصالح کالدلیل علی طریق أو عورة.

د. رضخ: ج. العطاء الذی لا یبلغ سهم من یعطاه لو کان مستحقاً للسهم.

* ویترک القتال وجوباً لأموار أحدها الأمان. ۲/۲۱

۳. أ. شرایط جواز امان را بنویسید. ب. بقیه موارد وجوب ترک قتال را بنویسید.

أ. ۱. أن یكون قبل الأسر إذا وقع من الآحاد أمّا من الإمام فیجوز بعده. ۲. عدم المفسدة.

ب. النزول علی حکم الإمام أو من یختاره - الإسلام - بذل الجزية - المهادنة.

۴. كفارة موارد زیر را مشخص کنید. ۴۶-۴۴-۲/۴۳

- أ. قتل المؤمن عمداً ظلماً:
ج. كفارة الجمع وهي عتق رقبة وصيام شهرين واطعام ستين مسكيناً.
ب. من أفطر في قضاء رمضان بعد الزوال:
ج. اطعام عشرة مساكين أو كسوتهم أو تحرير رقبة فإن عجز فصيام ثلاثة أيام.
ج. اليمين:
د. الإيلاء:
ج. كفارة يمين.

* ولو وقف ما لا يملكه وقف على إجازة المالك كغيره من العقود ... ۲/۱۴۳

۵. ضمن تشريح عبارت، دلیل قائلین به صحّت و دلیل عدم صحّت وقف فوق را بنویسید.
اگر شخصی وقف کند مالی را که مالک آن نیست این وقف متوقف بر اجازه مالک مال است مانند عقود دیگر.
دلیل قائلین به صحت وقف: چون عقد با عبارت صحیح واقع شده و قابلیت نقل را دارد مالک هم اجازه داده است پس صحیح است.
دلیل قائلین به عدم صحت وقف: عبارت فضولی اثر ندارد تأثیر اجازه هم معلوم نیست چون وقف در بسیاری از موارد فکّ ملک است و عبارت دیگری در آن اثر ندارد.

* وهي تميز أحد النصيين فصاعداً عن الآخر وليست بيعاً وإن كان فيها ردّ. ۲/۱۰۵

۶. أ. عبارت فوق، تعریف چیست؟ ب. با دو دلیل بگویید که چرا مورد فوق، بیع محسوب نمی‌شود.
أ. قسمة. ب. دلیل اول: چون نیاز به صیغه ندارد بخلاف بیع. دلیل دوم: در قسمت اجبار راه دارد و هرچند با اجبار انجام شود لازم است بخلاف بیع. دلیل سوم: اندازه نصیب هر کدام در قسمت به اندازه نصیب دیگری است بخلاف بیع.

* واعلم أنّ قاضي التحكيم لا يتصور في حال الغيبة مطلقاً. ۲/۷۷

۷. أ. قاضي تحكيم چه کسی است؟ ب. جهت عدم تصور قاضی تحکیم در زمان غیبت را بنویسید.
أ. هو الذي تراضى به الخصمان ليحكم بينهما مع وجود قاضٍ منصوب من قبل الإمام.
ب. لأنه إن كان مجتهداً نفذ حكمه بغير تحكيم وإلا لم ينفذ حكمه مطلقاً إجماعاً.

* في النذر ولا بدّ من كون الجزاء طاعة والشرط سائغاً إن قصد الشكر. ۲/۶۴

۸. أ. عبارت را شرح دهید. ب. اگر قصد از نذر، زجر باشد، منذور چه شرطی دارد؟
أ. جزاء نذر باید طاعت باشد و اگر مقصود از جزاء شکر باشد شرط باید جائز باشد.
ب. شرط باید معصیت باشد یا مباحی باشد که منع در آن راجح باشد.

* ومع العجز عن العتق في المرتبة يصوم شهرين متتابعين هلالين وإن نقصا إن ابتداء من أوله ولو ابتداء من أثنائه أكمل ما بقي منه ثلاثين بعد الثاني وأجزاء الهلالي في الثاني ولو اقتصر هنا على شهر ويوم تعين العددي فيهما. ۲/۵۳

۹. ضمن توضیح کامل عبارت، مراد از «تتابع» را بیان کنید.

در كفاره مرتبه اگر از عتق عاجز باشد، باید دو ماه هلالی پشت سر هم روزه بگیرد و لو ماه ۳۰ روز تمام نباشد البته اگر از اول ماه روزه گرفته باشد. و اگر از اثناء ماه شروع کرد باید بعد از ماه دوم باقیمانده ماه اول را تا ۳۰ روز تکمیل نماید و ماه دوم همان هلالی کفایت می‌کند و اگر از اثناء ماه شروع کرد و بعد از یک ماه یک روز دیگر روزه گرفت هر دو ماه را باید عددی محاسبه کند نه هلالی.
مراد از تتابع: یعنی روزه دو ماه، به یکدیگر متصل شود ولو از ماه دوم فقط روزه روز اول آن گرفته شود پس اگر یک ماه و یک روز یا سی روز و یک روز پشت سر هم روزه بگیرد تتابع حاصل شده است.